

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۰۱ اکتوبر ۲۰۲۲



یونس نگاه

دهان‌های تروریست

حملات انتحاری در غرب کابل در دور اول حکومت اشرف‌غنی آغاز شد و در دور دوم حکومت او اوج گرفت. در زمان طالبان هم ادامه دارد. ظاهراً طالبان اگر بخواهند نیز قادر به توقف این حملات نیستند. چرا؟ چون این حملات ریشه‌دارتر از طالبان است و در درون جمهوریت حامیان و رهبران جدی داشت. در غرب کابل، حملات تروریستی قشر تحصیل‌کرده یا جوانان و کودکان شایق تحصیل را هدف می‌گیرد. از این افراد چه کسانی می‌ترسیدند؟ شئون‌نویس‌هایی که حاکمیت در افغانستان را حق یک قوم می‌دانستند/ می‌دانند. باور من این است که بنیادگرایان از سوی شئون‌نویس‌های پشتون هدایت شده‌اند تا مراکز تعلیمی مردم هزاره را هدف قرار دهند. من استدلالم را این‌جا می‌نویسم و شما قضاوت کنید. زمانی که اشرف غنی رئیس دانشگاه [پوهنتون] کابل شد، سال آخر تحصیل من بود. در آن سال ما جمعی از محصلان در روزهای اول ریاست او برای دیدار و مانده‌نمایش‌اش و نیز بیان خواست‌های محصلان به دفترش رفتیم. بسیار امیدوار بودیم تا او دانشگاه کابل را سامان دهد. در مدت کوتاه خیلی از محصلان از جمله من از او ناامید شدیم. او از حضور هزاره‌ها در دانشگاه شوکه شده بود و باری ظاهراً با تمجید اما در واقع از ترس گفت: چند سال بعد دفاتر و ادارات را همه جوانان تحصیل‌کرده هزاره می‌گیرند! این سخن را با عبارت دیگری در زمان کمپاین انتخاباتی ریاست‌جمهوری‌اش نیز گفت. این ترس اشتباه بود. در زمان او علیه تحصیل هزاره‌ها کارشکنی علنی آغاز گردید. او و نزدیکانش علاقه و سهم هزاره‌ها را در تحصیل بارها در سخنرانی‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود به عنوان خطر به جامعه گوشزد کردند. سهمیه‌بندی کانکور اقدام آشکار برای "کنترول" هزاره‌ها بود.

از درون دولت، و حواشی آن، از افرادی چون فاروق اعظم سخنان پر از احساسات قومی شنیدیم که کمبود مکتب و کاهش محصلان از ولایات پشتون‌نشین را به علاقه هزاره‌ها به دانش‌طوری ربط می‌دادند که گویا هزاره‌ها در حال غصب حقوق دیگران اند و به منابع دانش هجوم آورده‌اند. داکتر فاروق اعظم در مجلس ۸ ثور ۱۳۹۵ گفت: این

بی‌عدالتی است که از دایکندی ۶۰۰۰ متقاضی در کانکور اشتراک می‌کنند و از قندهار ۲۱۰۰ تن. (به کلمه متقاضی یعنی علاقمند توجه کنید).

اعظم و کسانی چون او یک مشکل ملی را به شیوه نادرست و با تفسیر غلط به مردم اطلاع رسانی می‌کردند. نبود مکتب در قندهار یا نبود زمینه تعلیم در آنجا به هر دلیلی (جنگ، فرهنگ، مداخله بیگانه و یا کمبود منابع) تنها مشکل قندهار نبود و همه ما، به خصوص دولت، در رفع آن مسؤول بودیم. آنچه بر قندهار یا ولایات دیگر جنوبی می‌رفت واقعاً بی‌عدالتی بود و باید از آن جلوگیری می‌شد. کودکان و نوجوانان ما در ارزگان و زابل نباید از مکتب محروم می‌شدند. اما عامل آن بی‌عدالتی دایکندی و متقاضیان کانکور آن ولایت نبود. این آدرس‌دهی غلط زمینه‌ساز حملات انتحاری شد. حملات در واقع بعد از آن آدرس‌دهی‌ها و ذهنیت‌سازی‌ها اوج گرفت. گروهی از جوانان، متعصبان و بنیادگرایان پشتون آدرسی را که اشرف‌غنی و فاروق اعظم داده بودند، هدف قرار دادند و اکنون توقف آن آسان نیست. خود را به این فریب ندهیم که حملات کار دشمنان است. حملات کار دوستان نادان است. حملات حاصل سخنرانی‌ها و برنامه‌های شئونستی تحصیل‌کردگان است. جوانان نادان انتحاری ابزارند. مأموریت مذهبی و قومی باهم آمیخته و حمایت‌های استخباراتی نیز وجود دارد.



اعتراض یک روشنفکر پشتون به سخنان فاروق اعظم را نیز بخوانید.

فاروق اعظم اکنون در کابل است و خود را فاتح دانشگاه‌های افغانستان از شر هزاره‌ها و دیگر مهاجمان غیرپشتون می‌داند. او تنها نیست، طیفی از تحصیل‌کردگان قوم‌گرای پشتون که امروز کنار طالبان ایستاده‌اند یا دور نشسته با سکوت تماشا می‌کنند، نیز از کشتن شاگردان و محصلان هزاره خوشحال‌اند و جریان حاکم در تحصیلات عالی کشور را از نظر تاکتیکی، و به خاطر تصفیۀ دشمنان یا رقیبان، درست می‌دانند.

امسال در همان ماه منفور ثور، فاروق اعظم، در محفلی در وزارت تحصیلات عالی شرکت کرده و از پیشرفت‌های آن وزارت تقدیر کرده بود. در ویب‌سایت وزارت تحصیلات عالی طالبان از فاروق اعظم به نیکی یاد شده و بخشی از سخنان او نقل شده که در آن استادان را قهرمان خوانده است. {لینک گزارش را در کمنت می‌گذارم}. چند روز پیش نیز ویدیویی از سخنرانی او برای تشویق طالبان برای حمایت از تعلیم نشر شده بود. او که دکترای زراعت از یک دانشگاه انگلستان دارد، دانش را کالای کمیاب می‌داند که بر سرش در افغانستان رقابت است و در این رقابت فکر می‌کند خوب است از ابزاری که در دست قومش است، برای بردن میدان استفاده شود. برنامه‌های تصفیۀ و تروریستی دوامدار و سیستماتیک کار افراد ساده‌مدرسه‌ئی و دهاتی‌های ساده‌دل نیست. این کارها را تحصیل‌کردگان سنگدل، حساب‌گر اما از نظر فرهنگی و سیاسی عقب‌مانده، انجام می‌دهند.

خوشبختانه سیاست اشرف‌غنی برای محدودیت آموزش هزاره‌ها از سوی تعدادی از روشنفکران پشتون نقد شده است. سخنان فاروق اعظم نیز در سال ۱۳۹۵ در رسانه‌ها از سوی جمع کلانی از تحصیل‌کردگان پشتون مورد نقد و نکوهش قرار گرفت. اما اینان به اندازه‌ی فاروق اعظم و اشرف‌غنی ابزار و قدرت نداشتند تا پروژه‌ی سرکوب مراکز تعلیمی هزاره‌ها را مانع شوند. شئون‌نیست‌ها برنده شدند و تروریستان ابزار قرار گرفتند.

از این‌رو تنها دست‌های آلوده به خون هزاران کودک و نوجوانی را که در مکتب و کورس و ورزشگاه و جاده‌های غرب کابل کشته و زخمی شده‌اند/ می‌شوند، نبینید، دهان‌های خون‌آلود را نیز ببینید. دهان‌ها مقصرتر از آن دست‌هایند. دست‌ها را می‌توان بخشید، اما دهان‌های برنامه‌ده و رهبری‌کننده‌ی حملات تروریستی را نباید فراموش کنیم.

Younus Negah

<https://mohe.gov.af/.../%D9%88%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%AA...>

MOHE.GOV.AF
وزارت تحصیلات عالی ده‌ها تن از استادان پوهنتون، ها را که به وطن بازگشت نموده‌اند طی مطلبی مورد تقدیر قرار داد | وزارت تحصیلات عالی